



# هنر

هنری زلزله  
پرستار لولو فور فور

هنری زلزله  
و تعطیلات  
پر ماجرا

هنری زلزله  
در جشن تولد

هنری زلزله  
و جشن شیری

هنری زلزله  
عشق فوتبال

هنری زلزله  
و خانه‌ی اشباح

هنری زلزله  
بولدر روی شوره

هنری زلزله  
ماشین زمان

هنری زلزله  
شیش هایش

هنری زلزله  
باهار روی عید

# هنری و روجک نشو!

# هنری !!

# هنری !!!

مجموعه‌ی

۱۰ جلدی



به نام خدا

# هنری زلزله و تعطیلات پرماجرا



فراچسکا سایمون

ترحمه‌ی آتوسا صالحی

تصویرگر تویی راس



## فهرست

- ۵ یک روز خوب
- ۲۱ هری رلرله و مارگریت دمدمی
- ۳۷ هری رلرله و تعطیلات یرماحرا
- ۶۳ وطایف حانه





---

## یک روز خوب

---

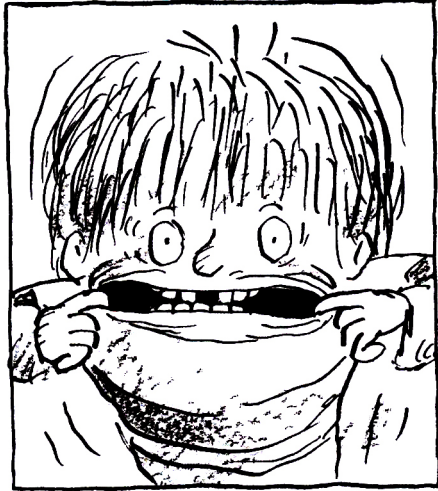
هری خیلی و روحک بود همه همین را می گفتند، حتی مادرش!

هری عدایتش را به رمین می ریخت هری جنگ می زد  
هری گار می گرفت هری هل می داد هری بیشگون  
می گرفت حتی حرس کوچولوش هم سعی می کرد خیلی  
حلو چشمش آفتابی شود ماما و نایتش دیگر ار او نا امید  
سده بودند ماما آه می کشید و می گفت «واقعاً آدم ناید نا  
چین یسر و روحکی چی کار کند؟»

نا آه می کشید و می گفت «آحر چه طور می شود که بچه ی  
دو تا آدم نه این حوبی این قدر و روحک ار آب دربیاید؟»

به نام خدا

## هنری زلزله و دندان شیری



فراچسکا سایمون  
ترجمه‌ی آتوسا صالحی  
تصویرگر تویی راس





## فهرست

- |    |                           |
|----|---------------------------|
| ۵  | هبری رلرله و دنداں شیرى   |
| ۲۳ | مهماں حدید، مارگریت دمدمى |
| ۴۵ | انتقام هبرى رلرله         |
| ۶۳ | کامپیوتر هبرى رلرله       |



---

## هنری زلزله و دندان شیری

---

هنری رلرله داد رد «ایس عادلانه بیست ا» و توی ناعچه‌ای که یلبا تاره درست کرده بود، دوید و بفسه‌ها را لگد کرد «اصلاً عادلانه بیست ا»

دو تا ار دندان‌های مارگریت افتاده بود حای سه دندان سوران بقوقو هم توی دهانش حالی بود دو تا ار دندان‌های ککر ناقلا، آن هم توی یک رور افتاده بود رالف روداره هم ک چهار تا دندان نداشت، دو تا بالا و دو تا پایین و ار سر میزش می توانست روی تخته سیاه تُف بیدارد

دندان‌های گراهام شکمو هم افتاده بودند یکی ار دندان‌های ویلیام ررررو چند سال پیش افتاده بود

به نام خدا

# هنری زلزله پولدار می شود



فراچسکا سایمون

ترجمه‌ی آتوسا صالحی

تصویرگر تویی راس







## فهرست

- |    |                           |
|----|---------------------------|
| ۵  | هری رلرله فرار می کند     |
| ۲۳ | هری رلرله پولدار می شود   |
| ۴۱ | هری رلرله و هدیه ی کریسمس |
| ۶۱ | هری رلرله هیپوتیرم می کند |



---

## هنری زلزله فرار می کند

---

آن روز برای هنری زلزله اصلاً روز خوبی نبود اولش که برادر کوچک ترش، پیتر حوبه، سو را چنگ زد و هنری هر کاری کرد، نتوانست پیتر را از آن جدا کند بعدش هم درست وقتی که او می خواست تلویزیون ببیند، ماما گفت که هنری باید برود اتاقش را تمیز کند جلا هم نوت پدر بود که سرش داد بکشد

پدر فریاد زد «معنی این نامه چیه، هنری؟»

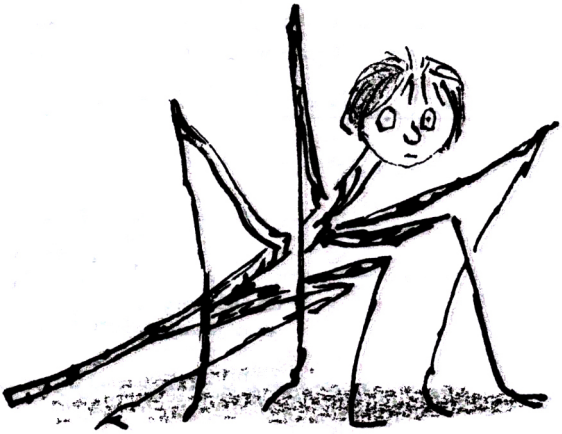
هنری هم صدایش را بلند کرد «کدام نامه؟»

مریص بود و دلش می خواست حرصش را سر کسی

خالی کند

به نام خدا

# هنری زلزله و پرستار لولو خورخوره



فراچسکا سایمون

ترجمه‌ی مژگان کلهر

تصویرگر تویی راس





## فهرست

- ۵ هری رلرله و پرستار لولو حور حوره  
۲۹ هری رلرله مریص می شود .  
۴۷ هری رلرله سریجات می خورد  
۶۷ نامه‌ی تشکر امیر هری رلرله



---

## هنری زلزله و پرستار لولوخورخوره

---

تس نارک نارچی داد رد «نه! اصلاً!» و گوشی را محکم  
روی تلفن کوید

کریس عرعر و داد رد «نه! اصلاً!» و گوشی را محکم روی  
تلفن کوید

آنا رودحوش داد رد «نه! اصلاً مگه دیوانه‌ام!»  
حتی مارتین نا حال هم گفت که سرش شلوع است  
مامان گوشی را گذاشت و عرعر کرد نمی‌توانست  
پرستاری را پیدا کند که بیش‌تر از یک‌بار هری رلرله را بگه  
دارد وقتی تس نارک نارچی آمد، هری حمام را پرا آب  
کرد کریس عرعر و که آمد، هری مشق‌هایش را قایم کرد و

به نام خدا

## هنری زلزله و خانه‌ی اشباح



فراچسکا سایمون

ترجمه‌ی مژگان کلهر

تصویرگر تونی راس





## فهرست

- |    |                              |
|----|------------------------------|
| ۵  | هری رلرله و حانه‌ی اشاح      |
| ۲۱ | نمایشگاه مدرسه‌ی هری رلرله   |
| ۳۷ | برنامه‌ی تلویزیونی هری رلرله |
| ۵۵ | مشق شب هری رلرله             |



---

## هنری زلزله و خانه‌ی اشباح

---

هنری زلزله، روی صدلی عقب ماشین شست و دست‌ها را روی سینه قلاب کرد و داد رد «من نمی‌روم!» چون نمی‌خواست تعطیلات آخر هفته‌اش را با پسر حاله‌ی لاعر و پرفیس و افاده‌اش، استیو، بگذراند

– نمی‌روم! همین!

مامان گفت «چرا می‌روی»

بابا گفت «استیو منتظر توست»

اما هنری، برای سرفتش دلیل داشت، چون وقتی کریسمس گذشته با لحن پاش روی استیو لحن پاشید و به هدیه‌های او باحک رد، استیو قسم خورد که این کارش را



به نام خدا

## هنری زلزله در جشن تولد



فراچسکا سایمون

ترجمه‌ی مژگان کلهر

تصویرگر تویی راس





## فهرست

- |    |                            |
|----|----------------------------|
| ۵  | هری رلرله در حشس تولد      |
| ۲۵ | آمپول ردن هری رلرله        |
| ۴۱ | سرگرمی هری رلرله           |
| ۵۹ | رور و روحک ناری پیتتر حونه |



---

## هنری زلزله در جشن تولد

---

فوریه، ماه مورد علاقه‌ی هنری زلزله بود چون تولدش توی این ماه بود بعد از تعطیلات سال نو هنری هر روز می‌گفت «تولدم چیری نمانده! هورا! حشس تولد می‌گیرم!» اما برای ماما و نایای هنری زلزله، فوریه، بدترین ماه سال بود وقتی به فوریه بر دیک می‌شدند، نانا می‌باید «به تولد هنری کم مانده!»

مامان بلندتر می‌باید «وای! نارم حشس تولدش!» آن‌ها هر سال فکر می‌کردند که این دفعه حشس تولد هنری خوب می‌شود، اما همیشه یک چیری پیش می‌آمد و کار را خراب می‌کرد و آن‌ها می‌گفتند «دیگر هیچ وقت برای هنری

به نام خدا

## هنری زلزله و شپش هایش



فراچسکا سایمون

ترحمه‌ی آتوسا صالحی

تصویرگر تونی راس



کتابخانه فرات



### فهرست

- ۵ ..... هنری رلزله و شپش هایش
- ۲۳ ..... گردش علمی هنری رلزله
- ۴۱ ..... هنری رلزله و مهمانی شام
- ۶۱ ..... هنری رلزله کتاب می خواند

سرشناسه	سایمون، فرانچسکا Saimon, Francesca
عنوان و نام بدیدآور	هنری رلزله و شپش هایش / فرانچسکا سایمون، ترجمه‌ی آنوسا صالحی؛ تصویرگر: تونی راس
مشخصات نشر	تهران افق، کتاب‌های فدق، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری	۸۴ ص - مصور
سایک	978-964-369 487-6
یادداشت	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی Horrid Henry's nits
موضوع	داستان‌های کودکان انگلیسی - قرن ۲۰ م
سناسه افروده	راس، تونی، ۱۹۳۸-م، تصویرگر Ross, Tony
سناسه افروده	صالحی، آنوسا، ۱۳۵۱- مترجم
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۷ هـ - ۲۴ ص / PZ ۷
رده‌بندی دیویی	[ح] ۸۲۳/۹۱۴
شماره کتابخانه ملی	۱۱۶۲ ۵۱



واحدکودک  
موسسه‌ی نشر افق

### هنری رلزله و شپش هایش

فرانچسکا سایمون ♦ ترجمه‌ی آنوسا صالحی  
ویراستار حسین فناچی ♦ تصویرگر تونی راس  
اویفورم جلد حسین نیلچیان

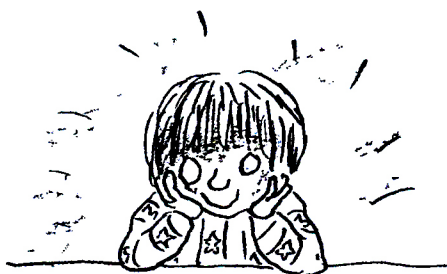
شابک ۶-۴۸۷-۳۶۹-۹۶۴-۹۷۸ چاپ دوازدهم ۱۳۹۸  
حروفچینی افق ♦ لیتوگرافی سیب

چاپ و صحافی طفنگار، تهران ♦ تعداد ۲۰۰ نسخه  
کلیه‌ی حقوق محفوظ است

نشر افق ص پ ۱۱۳۵ - ۱۳۱۴۵، تلفن ۶۶۴۱۳۳۶۷

ofoqbooks.com ♦ info@ofoqbooks.com  
ofoqkidsandteens ♦ ofoqkidsandteens

۱۴۰۰۰ تومان



## فهرست

- |    |                         |
|----|-------------------------|
| ۵  | هری رلرله و شپش هایش    |
| ۲۳ | گردش علمی هری رلرله     |
| ۴۱ | هری رلرله و مهمانی شام  |
| ۶۱ | هری رلرله کتاب می حواند |



---

## هنری زلزله و شپش‌هایش

---

خِرشِ خِرشِ خِرشِ .

بابا سرش را حاراند

مامان گفت «خواهش می‌کنم این قدر حودت را بحاران!

تاریخ شام می‌خوریم!»

مامان سرش را حاراند

خِرشِ.. خِرشِ خِرشِ!

بابا گفت «خواهش می‌کنم این قدر حودت را بحاران!

تاریخ شام می‌خوریم!»

هنری هم سرش را حاراند ماما و بابا گفتند «سه

هنری! این قدر حودت را بحاران!»

به نام خدا

# هنری زلزله و ناهار روز عید



فرانچسکا سایمون

ترجمه‌ی آتوسا صالحی

تصویرگر تونی راس

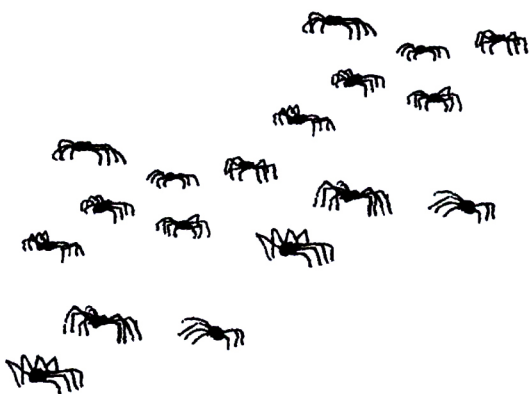






فهرست

- ۵ هری رلرله و کار گروهی
- ۲۵ هری رلرله نه مهمانی می رود
- ۴۳ هری رلرله و ناهار روز عید
- ۶۵ هری رلرله سرِ کار می رود





---

## هنری زلزله و کار گروهی

---

— سورا! حییع برن!

— رالف! بدوا!

— ویلیام! گریه نکن!

— هنری! کافیه!

حام نَتل آکس به بچه‌ها چشم عره رفت و بچه‌ها احم

کردند

لیدا تسله حییع گوش حراشی کشید «حام احاره! هنری

مویم را کشید»

گراهام شکمو حییع گوش حراشی کشید «حام احاره!

رالف به من لگد رد»

به نام خدا

# هنری زلزله و ماشین زمان



فراچسکا سایمون  
ترجمه‌ی مژگان کلهر  
تصویرگر تویی راس





## فهرست

- |    |                             |
|----|-----------------------------|
| ۵  | پیاده روی هری رلرله         |
| ۲۳ | هری رلرله در رستوران فراسوی |
| ۴۵ | هری رلرله و ماشین رمان      |
| ۶۳ | ماشین سواری هری رلرله       |



---

## پیاده روی هنری زلزله

---

هنری لرله ار پجره بیرون را نگاه کرد وای ی ی ی! چه روز محشری بود حورشید می درحشید و پرده ها می خواندید عچه ها نار شده بودند و ابرهای قلمه قلمه، توی آسمان آبی معلق بودند

موش کثیف! چرا هوا بارانی نمی شد؟ تگرگ نمی بارید؟ یا برف و بوران نمی آمد؟ هر دقیقه و هر ثانیه امکان داشت کلمه هایی را بشود و حساسی دمع شود! کلمه هایی که حاضر بود هر چه دارد بدهد تا آن ها را بشود کلمه هایی که

مامان گفت «هنری! پیترا وقت پیاده روی است»  
پیترا حوبه گفت «آح حونا! من چکمه های پلاستیکی ررد

به نام خدا

## هنری زلزله و عشق فوتبال



فراچسکا سایمون

ترجمه‌ی مژگان کلهر

تصویرگر تویی راس





## فهرست

- |    |                                       |
|----|---------------------------------------|
| ۵  | هری رلرله دفتر خاطرات پیتر رامی حواید |
| ۲۳ | هری رلرله و عشق فوتبال                |
| ۴۹ | هری رلرله به خرید می رود              |
| ۶۷ | دشمن قدیمی هری رلرله                  |



---

## هنری زلزله دفتر خاطرات پیتر را می خواند

---

هنری زلزله پرید تو اتاق پیتر و گفت «داری چی کار می کنی؟»

پیتر تندی دفتر یادداشتش راست و گفت «هیچ چی!»  
هنری گفت «چرا، داشتی یک کاری می کردی!»  
پیتر گفت: «ار اتاقم برو بیرون! تا احازه بدادم حق نداری بیای تو!»

هنری زلزله ار بالای شاهه ی پیتر به حلو خم شد: «چی می نوشتی؟»

پیتر گفت «نه تو مربوط بیستی!» و نا بارویش محکم روی دفترش را گرفت